



## دستگاه خدای متعال دستگاه عجیبی است دستگاه محاسبات دقیق است، آنجا مو را از ماست میکشند



خدای متعال جزئیات کارها را حساب می‌کند. این جوان، همسر جوانی داشته، فرزند کوچکی داشته، پدر و مادری داشته که به او چشم دوخته بودند که کمک حالشان باشد؛ اینها را گذاشته و رفته جاننش را کف دست گرفته در راه خدا؛ اینها کوچک است؟ اینها کم است؟ فهم ما و درک ما کفاف نمی‌دهد که اهمیتی و عظمت این کار را بفهمیم. بنده خودم که این جور هستم؛ همانی را هم که می‌گوییم خیلی کوچک‌تر و کمتر از آن چیزی است که در واقع هست. خدای متعال می‌تواند دقیق محاسبه کند. دستگاه خدای متعال دستگاه عجیبی است، دستگاه محاسبات دقیق است، آنجا مو را از ماست می‌کشند، «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ»؛ (۴) به قدر سنگینی یک ذره کار خوب فراموش نمی‌شود، پیش خدای متعال محفوظ است.

فضیلت سوره مبارکه زلزله	صفحه ۲	ایستگاه تفکر	صفحه ۴	زلزله‌ای به بزرگی کربلا	صفحه ۷
کمی دقت کن	صفحه ۲	قلم اساتید	صفحه ۵	انعکاس عمل	صفحه ۸
کارهای مهمی که خیلی کوچک هستند	صفحه ۳	خیمه های قرآن	صفحه ۵	غرض سوره	صفحه ۸
دنیا بستر عمل	صفحه ۴	فلسطین	صفحه ۶	کوچک‌های بزرگ	صفحه ۸

فهرست

### سخنی از سردبیر

سوره های قرآن، هر کدام راه نجاتی برای انسانند؛ انسانی که هر روز با مسائل و مشکل و حادثه‌ای روبرو می‌شود و ناچار است برای آن راه حلی جستجو کند. این نشریه بهانه‌ای برای آشنایی با این سوره‌ها و تلاشی برای وارد شدن مضامین آنها در زندگی است. سعی کرده‌ایم ایده نوشتن متن‌های ادبی و داستان‌های برپایه معانی سوره‌های قرآن را انعکاس دهیم تا هر کس بتواند از منظر این نوشته‌ها دریچه‌ای به مضامین بلند سوره‌ها گشوده و جریان زندگی و اساس حوادث آن را از این منظر ببیند و بیابد.

### شهید همراه نشریه



ولادت: ۱۳۳۶/۶/۱  
شهادت: ۱۳۶۵/۱۷/۸  
محل شهادت: شلمچه

### انعکاس عمل

آن عالم همه چیزهایی که در اینجاست، مثل این صوتی که انسان این را یک جایی منعکس می‌شود و پس می‌دهد، تمام این اعمالی که ما در اینجا انجام می‌دهیم این مثل آن صوت انعکاس دارد. و بعد که ما از اینجا رفتیم به آن عمل می‌رسیم، می‌بینیم. در آیه قرآن هست که فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (۱)؛ هرکس عمل خیری بکند همان عمل خیر را می‌بیند، خودش را می‌بیند. این عمل در آنجا به صورتهای خوب در می‌آید، به صورتهای مناسب در می‌آید، و از بعد از مرگ انسان همراه آدم است تا آخر؛ و مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (۲)؛ هرکس هر مقدار، هر ذره‌ای که عمل شرّ به جا بیاورد، آن هم در آن عالم می‌بیند؛ خود او را در آن عالم می‌بیند. جهنم و بهشت از عمل من و شما موجود می‌شود؛ عمل ما ابزار کار است برای آنجا. بنابراین هد رندهید این عمر را؛ این عمر شریفی که خدای تبارک و تعالی به شما داده است که در اینجا کسب کنید و کارهای خوب بکنید و هدایت کرده شما را برای کارهای خوب، کارهای مفید برای جامعه، کارهای مفید برای خودتان.



### تلاشی برای نزدیک شدن به غرض

سوره مبارکه زلزله تلاش بر این دارد به انسان بفهماند که چطور باید در زمین زندگی کند تا در روز رستاخیز کم‌تر هراسان باشد. سوره مبارکه زلزله می‌خواهد نقش مهمی را در زندگی ما ایفا کند و باعث این شود که انسان در زمره خوبان بهشت باشد و حتی اگر انسان تا به امروز حواسش به اعمالش نبوده، هشداری به او بدهد. اما هدف اصلی سوره زلزله چیست؟ هدف اصلی سوره مبارکه زلزله، این است که به انسان تلنگر بزند و باعث یک تغییر اساسی در زندگی او باشد؛ سوره زلزله باعث این می‌شود که انسان به اعمال ریز و درشت خود، دقت کند و حتی کوچک‌ترین و ریزترین عمل را با تفکر و تدبّر در آن به انجام برساند. یک انسان نباید کارها را کوچک ببیند، چون همان کارهای ریز است که باعث ایجاد کارهای بزرگ می‌شود؛ چه خیر و چه شر؛ فرقی ندارد. جدا از تمام تلنگرهایی که این سوره مبارکه، به انسان می‌زند، یک آگاهی هم می‌دهد. این آگاهی این است که زمین یک بستر است؛ بستر چیز مهمی است، اما نه به مهمی اعمالی که انسان بر روی آن انجام می‌دهد. آن، اعمال انسان است که باعث تعیین سرنوشت انسان می‌شود و اگر حواسمان به اعمالمان نباشد، با گروه جهنمیان به سمت دوزخ فرستاده می‌شویم. نویسنده: علی میرزاخانی

**سورهنامه**

مسجد حضرت ابوالفضل (ع)  
تهران، مرزداران، خیابان حضرت ابوالفضل (ع)  
درگاه اینترنتی: rahbarenojavan.ir

سردبیر: محمد مهدی شریف  
طراحی و صفحه آرایی: علی میرزاخانی  
ایده پرداز: محمد حسین ضیایی فر  
گروه پژوهشی: محمد مهدی شریف، علی میرزاخانی، محمد علی بهبهانی، امیرعباس حسینی

دسترسی به تمام فایل‌های چند رسانه‌ای در آدرس زیر:  
www.sorehname.blog.ir



### کوچک‌های بزرگ... شهید حسین خرازی



دورتادور نشسته بودند. نقشه، جلوی آن‌ها پهن شده بود. حسین گفت: «تا یادم نرفته این رو بگم، اون جا که رفته بودیم برای مانور، به تیکه زمین بود، گندم کاشته بودند، به مقدار از گندم‌ها از بین رفته. بگید بچه‌ها چقدر از بین رفته، پولش رو به صاحبش برگردونید.»  
{عجیب بود. آخر مگر یک تکه زمین، آن هم با مقداری گندم مگر چقدر ارزش دارد!}  
اصلاً مگر در آن مانور، این گندم‌ها دیده می‌شدند؟  
این یکی از هزاران خصلت شهادت است که از حقوق مردم نمی‌گذرند، حتی اگر آن حقوق خیلی ریز و ناچیز باشد و برای کسی اهمیت نداشته باشد. چون می‌دانند در روز حساب، این اعمال در مقابل دیدگان‌شان ظاهر می‌شوند و چه کسی روسفیدتر از شهدا در مقابل اعمالشان...}

# زلزله‌ای به بزرگی کربلا

نبردی بین خیر و شر آغاز شد! امام زمانشان یار می‌خواست؛ اما عده اندکی، دعوت امام را لبیک گفتند و اکثریت مردم، به جبهه باطل پیوستند و جبهه حق را رها کردند! انتخاب مهمی است! انتخابی که باعث تغییر سرنوشت آنها می‌شود! لحظه موعود فرا رسید؛ دیگر وقت وداع بود؛ وداعی که برای آخرین بار انجام می‌شد؛ وداعی که رقیه را از پدرش جدا می‌کرد؛ وداعی که زینب را از برادرش جدا می‌کرد؛ چند دقیقه‌ای گذشت و امام وارد میدان شد! دیگر آن عده اندک هم نبودند تا به یاری امام بیایند! نبردی استوارانه را انجام داد؛ نمی‌توانستند به تنهایی او را شکست بدهند؛ می‌گفتند: «مانند علی (ع) شمشیر می‌زند.» مجبور شدند تا از تیرهای زهر آلود کمک بگیرند؛ ناجوانمردانه بود، اما جواب می‌داد. آخرین تیر اثر کرد. فرزند رسول خدا، زمین‌گیر شد! کعبه‌ی دین به شهادت رسید و دیگر این امت امامی نداشت!

دیگر سرپرستی این کاروان بر عهده حضرت زینب (س) بود. لشکریان یزید به خیمه‌ها هجوم بردند و آن‌ها را غارت کردند و اهل بیت امام را به اسارت بردند! پس از جسارت‌های فراوان، اهل بیت امام را با بدترین شرایط ممکن به سمت شهر شام حرکت دادند. یزید بر خیال خام خودش می‌خواست، اهل بیت امام را تحت تاثیر نیرو و قدرتش قرار بدهد و آن‌ها را به‌راساند. به همین دلیل دستور داده بود، کاخ را تزئین کنند و سربازها را دور تا دور کاخ قرار بدهند تا مثلاً آن اندک ابهتی که داشت را به نمایش بگذارد! اما اهل بیت امام نه تنها نترسیدند، بلکه باعث رسوایی یزید و فروپاشی ابهت او شدند. دلیل اصلی این رسوایی حضرت زینب (س) بود؛ طوری ایستاد و سخن گفت که همگان فهمیدند او فرزند علی و فاطمه است. طوری سخن گفت که پایه‌های کاخ یزید به لرزه درآمدند. طوری سخن گفت که یزید آبرویش برود و رسوا بشود. چنان گفت که همه مردم آگاه شدند و فهمیدند چه اشتباهی را مرتکب شده‌اند. مردم را از کاری که کرده بودند پشیمان کرد. اما چه فایده، که دیگر پشیمانی کاری را از پیش نمی‌برد؛ دیگر با این پشیمانی‌ها امام به جامعه باز نمی‌گشت. دیگر با این «چرا چرا» ها و «چه شده است» ها امام زنده نمی‌شد. اما دیگر زمان انتخاب به پایان رسیده بود و کار از کار گذشته بود!

نویسنده: علی میرزاخانی



از امام صادق (علیه السلام) روایت است: از قرائت سوره زلزال خسته نشوید زیرا هرکس در نمازهای مستحب خود این سوره را بخواند آزار زلزله‌ای براو نخواهد رسید و به‌وسیله زلزله، صاعقه یا آفتی از آفات دنیایی، نخواهد مرد و وقتی وفات کرد دستور می‌دهند او را به بهشت برند و خداوند می‌فرماید: ای بنده من در هر جای بهشت که دوست داشتی جای گیر. (۱)  
امام رضا (علیه السلام) از قول رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می‌فرماید: قرائت این سوره برابر یک چهارم قرآن و چهار بار قرائت آن را معادل یک ختم قرآن دانسته‌اند. (۲)  
از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده است: هرکس در شب جمعه دو رکعت نماز گزارد و در هر رکعت بعد از حمد پانزده بار سوره زلزال را قرائت نماید خداوند او را از عذاب قبر و از سختی‌های هولناک قیامت ایمن می‌دارد. (۳)

## زلزله و قیامت

### کمی دقت کن

آیا تا به حال به زلزله‌های زمین، نگریسته‌ای؟  
آیا تا به حال به این پدیده‌ی عجیب، دقت کرده‌ای؟  
آیا تا به الآن که در این دنیا زنده بوده‌ای و زندگی کرده‌ای، به اطرافت توجه داشته‌ای؟

اگر آری، که به خود افتخار کن و خود را یکی از برترین انسان‌های بر روی این کره خاکی پندار! اما اگر نه، اول در خود و سپس در زلزله‌ها و پدیده‌های بر روی زمین بنگر؛ زیرا اگر خود را نشناسی، نمی‌توانی زمین و پدیده‌هایش را بشناسی!

حال درباره یکی از پدیده‌های این جهان، می‌گوییم؛ پدیده‌ای که از بین‌برنده و نابودکننده‌ی خیلی از چیزها، بر روی کره زمین است؛ پدیده‌ای که از طرفی تخریب و از طرفی دیگر آبادانی را برای زمین به وجود می‌آورد.

شاید برایتان این سوال پیش بیاید که زلزله، چگونه می‌تواند هم عامل تخریب و هم عامل آبادانی باشد؟! به طور مثال اگر خدایی ناکرده در شهر شما زلزله‌ای شدید بیاید، شما چه خواهید کرد؟ طبیعتاً از خانه بیرون می‌آیید تا آسیبی به شما نرسد؛ اما وقتی که بیرون آمدید، می‌بینید هیچ وسیله‌ای با خود نیاورده‌اید! و نمی‌دانید چه کار باید بکنید؛ اینجاست که ناچار مجدداً، وارد خانه می‌شوید، و این خطر را می‌پذیرید تا وسایل حیاتی و مورد نیاز را تهیه کنید! حال این آبادانی بود؟ بله! وقتی که خطر از شهر شما خارج شد، شما با آرامش و اطمینان وارد خانه خود شده و اولین کاری که بعد از کارهای غیر ضروری انجام می‌دهید این است که یک کوله مواد و لوازم اولیه را تهیه می‌کنید و همیشه آن را نزدیک خود می‌گذارید تا زمانی که خدایی ناکرده، مجدداً

- انسان‌ها به میزان باورشان به قیامت از تحولات زمین تعجب می‌کنند.
- فقط کافران تعجب نمی‌کنند بلکه مومنان هم تعجب می‌کنند.
- مهمترین اتفاق روز قیامت رویت اعمال انسان است.
- یکی از مهمترین شاهدین اعمال انسان، زمین است.
- زمین شاهد و ناظر بر اعمال انسان است پس باید مراقب اعمالمان بر روی آن باشیم.
- بازگو کردن اعمال انسان فقط با وحی ممکن است چون سخن گفتن زمین بر خلاف طبیعت زمین است و جز وحی شدن ممکن نیست.

### # نکات ناب

### صوت اساتید

...اگر مراتب انسانیت تغییر کرد، مراتب «مالها» هم تغییر می‌کند. انسان می‌گوید: «مالها». حال شما به جای انسان، مصادیق او را بگذارید. مانند اینکه ملانصرالدین در قیامت می‌گوید: «مالها» و علامه حسن زاده هم در قیامت می‌گوید: «مالها»... معلوم است که سطح «مالها»ی آن دو با هم متفاوت است. سطح انسان که فرق کند، سطح سوال هم متفاوت خواهد شد. (آیا همه انسان‌ها می‌گویند: «مالها»؟) ظاهراً که «و قال الانسان مالها» (یعنی معصومین اینگونه نیستند که تعجب کنند؟) باید ببینیم لحنشان چگونه است... استاد چیت چیان



زلزله‌ای آمد، شما با فراق خاطر با آن کوله از خانه خارج شوید. اما زلزله فقط به معنای لرزیدن زمین نیست؛ زلزله می‌تواند به معنای هر اتفاق خطرناکی باشد که از بیخ گوش شما گذشته و به شما تلنگر می‌زند؛ و به علاوه تلنگر زدن، به شما آگاهی هم می‌دهد و مانند یک تجربه می‌ماند! از جهتی، زلزله می‌تواند چیزی باشد برای تشخیص خیر از شر؛ زلزله به شما کمک می‌کند تا شما متوجه آن بشوید که کدام مکان برای پناه گرفتن خوب و مناسب و کدام مکان برای پناه گرفتن، نامناسب و نامناسب است! پس حالا که از این زاویه می‌نگریم، توجه به زلزله، هم می‌تواند خوب باشد و هم می‌تواند بد باشد؛ حال بدی‌اش بیشتر است یا خوبی‌اش؟! بماند!

نویسنده: علی میرزاخانی

دنیا بستر عمل

من در شهر گیلان در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمدم. از همان کودکی با پدرم به زمین کشاورزی می‌رفتم؛ در جوانی پدرم طی حادثه‌ای دردناک از دنیا رفت و من مرد خانواده شدم. دیگر من جای پدر بودم. با فروش بعضی از وسایل خانه و پول اندکی که بعد از فوت پدرم بدست آوردم چند تکه از زمین‌های همسایه‌ها را خریدم. به دنبال وام گرفتن رفتم تا بتوانم حداقل محصولی بکارم. با پولی که گرفتم در مزرعه جو کاشتم. آخر جو ارزان‌ترین چیزی بود که می‌توانستم بکارم. روزها به سر زمین کشاورزی می‌رفتم و شب‌ها از شدت خستگی روی پشتی که مادرم آن را دوخته بود بیهوش می‌شدم. موقع فروش محصول خیلی سختی کشیدم، آخر جو زیاد خریداری نداشت. با کلی تلاش و کلی التماس آنها را فروختم. حال مقداری پول به دستمان آمده بود و با آن کمی به خانه رسیدگی کردم. دفعه بعدی تصمیم گرفتم برنج بکارم؛ این کار واقعا سخت بود و نیاز به کارگر داشت. مجددا با قرض کردن پول، چند کارگر گرفتم. اتفاقی با فردی آشنا شدم که با قیمت خیلی مناسب برنج‌ها را از من خریداری می‌کرد. پول خیلی خوبی نصیب من شد. با آن پول یک ماشین خارجی گرفتم. خانه‌مان را بازسازی کردم. دیگر سرزمین نمی‌رفتم. یک سرکارگر داشتم که او کارها را انجام می‌داد. خودم را به نسبت همسایه‌ها خیلی بزرگ می‌دیدم. دیگر به افراد پیر احترام نمی‌گذاشتم، به افراد کوچک محل نمی‌گذاشتم با برادرم حرفی نمی‌زدم، وقتی عصبانی می‌شدم هرچه به زبانم می‌آمد را می‌گفتم. با زور زمین‌های همسایه را خریدم و اسم و رسمی برای خودم درست کردم. روزها می‌گذشت و سن من بیشتر می‌شد و به همان میزان رفتار من بود که داشت بد و بدتر می‌شد. از پیری دچار بیماری‌های متعدد شده بودم. هزینه‌های زیادی برای بدست آوردن سلامتی‌ام کرده بودم. امیدی نمانده بود. هر روز بیشتر نگران می‌شدم. کارهایی که کرده بودم از جلوی چشمانم می‌گذشت. نگران حرف‌هایی بودم که از قدیمی‌ها شنیده بودم. حساب کتاب، قیامت، بهشت، جهنم و ... اگر این حرف‌ها درست باشد چه؟ اگر همه‌ی کارهای ما را حسابرسی کنند چه؟ چه عاقبتی در انتظار من است؟

همه‌ی فکر من این بود که چرا الان باید به این‌ها فکر کنم؟ الان که چیزی را نمی‌توانم عوض کنم....

کاش می‌شد به عقب برگردم و درست زندگی می‌کردم....

نویسنده: محمد مهدی شریف

هر عملی دارای جهت است: خیر یا شر.

اگر در تشخیص خیر یا شر ناتوان بودیم، بهتر است کاری را که برخلاف میلمان است را انجام دهیم.

اعمال انسان حساب و کتاب دارد.

بستر مهم است اما نه به اندازه‌ای که جلوی انجام عمل خیر را از ما بگیرد، چرا که روزی می‌رسد که زمین تکانده می‌شود و تماما از بین می‌رود و فقط اعمال است که برای ما می‌ماند.

عمل دارای معیار است، و مهم‌ترین منبع برای شناخت آن قرآن است.

# نکات ناب

شاید زده‌ها خیلی جدی گرفته نشوند  
ولی جانگاہ خدمت را اگر شناسی و  
عاقبت و نیکو اگر برایت مهم بشود،  
آن زنت زده زده خبری بر روی هم  
دانش‌نما خواهد بود و از کنار آن به  
سازگاری خواهیم گذشت.

استاد چیت چیان

ایستگاه تفکر

زلزله بر روی انسان و زمین، چه تاثیری می‌گذارد؟

واکنش زمین، در هنگام وحی به او چیست؟

پراکندگی مردم، چه دلیلی دارد؟

منظور از زلزله زمین چیست؟

چرا زمین، افعال خود را به بیرون می‌ریزد؟

آیا همه جانداران بر روی این کره‌ی خاکی، دارای شعور هستند؟

قلم اساتید

شنیدن واژه زلزله شاید برای خیلی از ما ناخوشایند باشد. در این متن نمی‌خواهیم راجع به ترس، ویرانی یا علل دیگر ناخوشایندی صحبت کنیم اما وقتی در شهر تردد می‌کنیم؛ انواع ساختمان‌ها با نماهای متفاوت و سازه‌های عجیب می‌بینیم. همه محکم سر جای خودشان ایستاده‌اند. مهندسانی که با زحمت چند ساله این سازه را ساخته و محکم پای آن را امضا کرده‌اند و خود را برای هر شرایطی آماده کرده‌اند مخصوصا زلزله.

از شواهد پیداست همه مهندسان کارشان عالی است. کسی ضعف ندارد اما تا جایی که زلزله نیامده است. زلزله نشان می‌دهد کدام ساختمان به چه میزان درست ساخته شده. زلزله شوخی ندارد. حتی با یک آجر یا یک میخی که کج کوبیده شده. زلزله می‌گوید هر کس چند مرده حلاج است.

اصلا کار زلزله همین است. بالا و پایینی می‌کند که پس از فروکش کردن اوضاع حق و باطل از هم جدا می‌شوند. حتی اگر یک درصد باطل هم وجود داشته باشد آن را جدا می‌کند. الان هم در دنیا زلزله‌ای در جریان است.

زلزله غزه ...

نویسنده: محمد حسین ضیایی فر

خیمه های قرآن

شاکله

غرب ساده تر از آن است که ما فکر می‌کنیم. غرب یعنی هر آنچه که لا اله الا الله نباشد هر آن چه که ملاک را از خودش بگیرد و ملاک و معیارش دیدگاه من به جای دین و سلیقه من به جای معیار باشد و به همین دلیل گفته اند گاهی شرک از حرکت مورچه سیاه بر روی تخته سنگ سیاه در دل شب تاریک مخفی تر است...

www.shakeleh.blog.ir

رهبر نوجوان

یاری دین خدا و ولی خدا سُن سال نمی‌شناسد، پس خود را آماده کنید، شما هم نوجوان و جوانی هستی که شکستن بزرگ‌ترین بت‌های عالم می‌تواند به دستانتان بشمارد. در اینجا می‌خواهیم پیرامون آداب نوجوانی و رسالت تمدنی آن با هم صحبت کنیم.

www.rahbarnojavan.ir

وبلاگ ولعصر

فرج یعنی باز شدن گره‌های پلیدی، گشایش. انتظار یعنی مترصد بودن، در حال آماده باش بودن. انتظار فرج یعنی در همه حال باید آماده گشایش باشیم! خب واضح شد که آماده بودن با منفعل بودن و کار نکردن در تضاد است...

www.val-asrr.blog.ir

زبر الحدید

از بزرگترین ویژگی‌های انقلاب این است که با قیام خود در برابر ظلم و موفقیت به تغییر حکومت توانست آرمان‌ها و اهداف خود را حفظ کند؛ گرچه شاید با اهداف آرمانی خود فاصله داشته باشد که این فاصله با امید خداوند در گام دوم این فاصله کمتر خواهد شد.

www.zoborolhadid.blog.ir

وبلاگ گردان تخریب

یک از کارهایی که باید سالک با تمام قلب در عبادت و حتی وظیفه که باید در باطن خود داشته باشد توجه به مقامات عز ربوبیت و ذل عبودیت است.

www.gordantakhrib.blog.ir

وبلاگ منم من منتظر

العادیات یعنی ولایت پذیری، یعنی ترجیح دادن جان امام به جان خود. و چه کسی بهتر از علی علیه السلام برای الگو بودن برای رزمندگان راه خدا. چه خانواده‌ای بهتر از آن که مادرش حضرت صدیقه‌ی طاهره، و فرزندان‌ش حسن ع و حسین ع و زینب س و ...

www.menhommanyantazer.blog.ir

ذی حجر

باید مطمئن بود، باید مطمئن شد... باید کاری کرد تا خداوند از ما راضی باشد... باید وارد محفل بندگان خدا شد... باید عبد شویم... آن وقت است که شهید می‌شوی... تا وقتی که عبد خدا نباشی، هیچ‌گاه شهید نخواهی شد...

www.zihejr.blog.ir

وبلاگ روح خدا

پرودگار ما، آن ربی است که خالق تمام موجودات عالم است و هر آنچه در این عالم است به وسیله اوست که خلق شده و همواره باید توجه داشت که خلقت فقط و فقط مخصوص خداوند است.

www.roohekoda.blog.ir

وبلاگ جهاد

علق میدونی یعنی چه؟ علق یعنی بدون تعلق داشتن به چیزی نمیتونی زندگی کنی.... ما هرچی داری از خدا داریم، ما به خدا تعلق داریم برادر من...

www.bachehayzahra.blog.ir

# فلسطین

PALESTINE

امروز جمعه ۱۴ مهر ماه ۱۴۰۲

فلسطین عمق راهبردی جهان اسلام در خیانت حکام عرب در حال فراموشی است، اگر حمایت جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت نباشد این فراموشی و فروش آرمان فلسطین در لحظه انجام خواهد شد. جهان هم که سالهاست بر غصب فلسطین و جنایت‌های رژیم صهیونیستی سرپوش گذاشته... حتی در خود فلسطین، محمود عباس ادامه‌دهنده راه خائنانه یاسر عرفات و هم به دنبال ذبح حماس و جهاد اسلامی است تا در این پیری زندگی خفت بارش را ادامه دهد.

فلسطین مسئله‌ی اصلی جهان اسلام است. مسئله‌ای که حالا در حال فراموشی است... اسرائیل غاصب قدرت نفوذ ناپذیری و افسانه‌ای رسانه‌های جهان در حال پیشبرد اهداف خود است.

امروز شنبه ۱۵ مهر ماه ۱۴۰۲ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ ساعت ۷ صبح

از خواب بیدار می‌شوم، تلویزیون را روشن می‌کنم. جهان مبهوت به ماجرا نگاه می‌کند، زمین را چه شده است؟! ابر قدرت جهان دیروز حقیرانه به خفت افتاده است، از دیشب که چند ساعتی خوابیده‌ام و حالا که بیدار شده‌ام فلسطین در صدر اخبار دنیا قرار گرفته، دنیا به خود لرزیده و هیچ‌کس هم تحلیلی ندارد. بیش از ۱۰۰ صهیونیست به اسارت در آمده‌اند، اطلاعات مهمی سرقت شده است. قدرت افسانه‌ای که چند کشور عرب را در ۶ روز شکست داده و بخشی از آن‌ها را اشغال کرده حالا تمام هیمنه‌اش نابود شده، جهان بدون آنکه بفهمد چنان بر خود لرزیده که حالا آرمان فلسطین در بالاترین نقطه خودش قرار گرفته، حتی آرمان فلسطین برای آن فلسطینی رنج‌کشیده هم مفهوم جدیدی پیدا کرده. حالا دیگر فلسطین را در همین چند ساعت به یحیی سنوار و محمدضیف و ابو عبیده می‌شناسند و محمود عباس به زباله‌دان تاریخ پیوسته، وزنه‌های مقاومت فلسطین بالا آمده‌اند و خائنان به زیر کشیده شده‌اند. رهبر و امام مقاومت جهان اسلام در آرامش کامل در حال رویت وعده خداست. جبهه مقاومت هم دارد زحمتی که ذره‌ذره جمع شده و حالا بنیان غاصب را به لرزه درآورده می‌نگرد. دشمن غاصب، دیوانه‌وار رو به جنایت آورده و مردم غزه هم مومنانه در حال ثبت جدید نصاب صبراند... دنیا به لرزه‌ای جدید افتاده؛ مردم و دانشجویان ساکت غرب، شده‌اند حامیان سرسخت فلسطین؛ روبه‌روی کاخ سفید هم پرچم فلسطین به اهتزاز در می‌آید. همه مستکبران سیاسی و رسانه‌ای دنیا منفعلانه در حال نظاره‌اند که زلزله بعدی جریان جدیدی را رقم می‌زند. بچه‌های حزب‌الله لبنان و مجاهدان یمن و عراق و سوریه و حتی بحرین مشغول مجاهدت‌اند، حکام خائن عرب در فشار افکار عمومی جهان خیانت‌ها را به پشت پرده برده‌اند و رو در روی رسانه‌ها برای ظاهرسازی هم که شده از آرمان فلسطین و غزه می‌گویند، که خبری دیگر جهان را در بهت فرو می‌برد. بیش از ۳۰۰ موشک و پهپاد صادقانه از ایران برای نابودی رژیم غاصب صهیونیستی به پرواز در می‌آید، حالا کشوری به خود اجازه داده مستقیم و با پوشش خبری، این هیمنه پوشالی را به مبارزه بطلبد و پوزهاش را به خاک بمالد. حالا همه می‌گویند که دیگر دنیا به قبل از ۷ صبح ۷ اکتبر بر نخواهد گشت. هنوز هم زمین، حرف‌های زیاد نگفته‌ای دارد که باید منتظر اذن شنیدن از آن‌ها ماند.

حالا فلسطین مقاوم بر قله‌های صبر و استقامت در حال رقم زدن دوران جدیدی در عالم است.

بسم الله الرحمن الرحيم.

اذا زلزله الأرض زلزالها...

نویسنده: حاج عباس رفیعه‌ها

## زمین

از آغاز زندگی تا لحظه مرگ، یک لحظه هم از زمین دور و جدا نیستیم؛ حتی بعد از مرگ هم، تنها زمین است که پذیرای جسد ماست.

لحظه لحظه زندگی و ذره ذره اعمالمان در بستر زمین می‌گذرد. شدت وابستگی ما به زمین به قدری است که بدون او حتی یک قدم نمی‌توانیم برداریم. این شدت وابستگی را وقتی می‌توان عمیقاً فهمید زلزله می‌شود لحظه‌ای که زمین می‌لرزد اما انسان زلزله زده می‌شود زمین می‌لرزد و باطنش را آشکار می‌کند ما که یک عمر غافل بودیم از این بستر همیشه حاضر در زندگی‌مان به تعجب می‌افتیم و هاج و واج می‌مانیم و چه دیر است آن زمان برای فهم این وابستگی.



نویسنده: فاطمه قنبریان



- زمین، زلزله مخصوص و ویران کننده‌ای دارد که در اثر آن هرچه در درونش هست را بیرون می‌ریزد.
- زمین اعمال و رفتار هر انسانی را در خود ثبت کرده و در موقعی که از او خواسته شود به آن شهادت می‌دهد. بنابراین هر قطعه‌ای از زمین شاهی زنده و گواهی بر اعمال انسان است.
- اگر انسان زمین را به عنوان گواهی صادق می‌دانست، هر عملی را بر روی آن انجام نمی‌داد.
- خداوند برای زمین شایستگی قائل است. چرا؟
- چون برای او زلزله مخصوص، اخبار مخصوص، وحی مخصوص را مطرح می‌کند.
- زمین به سبب اینکه پروردگار تو به آن وحی کرده و فرمان داده تا سخن بگوید از اخبار حوادثی که در آن رخ داده سخن می‌گوید: پس معلوم می‌شود، زمین هم برای خود شعوری دارد.
- و هر عملی که در آن واقع می‌شود را می‌فهمد.
- و خیر و شرش را تشخیص می‌دهد.
- و آن را برای روز ادای شهادت تحمل می‌کند.
- حیات و شعور در تمامی موجودات جاری است، هر چند که ما از نحوه حیات آنها بی‌خبر باشیم.

### # نکات-ناب



نام چهارم، کارهای نوحی که خستگی کوچک هستند  
 وقتی خداوند در قرآن می‌فرماید که ذره‌ای کار خیر و شر ندیده‌ی شود  
 یعنی هیچ کاری به دلیل کوچک بودن، کوچک شمرده نشده است.  
 این در حالی است که ما نوحه‌کارهای کوچک را نمی‌بینیم و تنها می‌پنداریم این کارهای بزرگ هستند که دیده می‌شوند.  
 البته اگر مبنای ما دیده شدن توسط دیگران باشد، احتمالاً دچار اشتباه می‌شویم، چون آنها هم در مشاهده کارها دچار عین خطا هستند، این در حالی است که انسان‌های عاقبت اندیش و بزرگ بخوبی اهمیت کارهای کوچک را دریافته‌اند.  
 نهستی از کارهای کوچکی که می‌توانید در یک روز انجام دهید  
 کنید، بجزدی در رد شدن از خیابان بگ کردن، هنگی را از سر راه مردم برداشتن، سلام کردن، به کودکانی بگفتن در زدن و اورا احتمال کردن، دانند آن.



### روایت

در زمان ابوبکر و عمر، زلزله شدیدی در مدینه رخ داد، به طوری که عموم مردم ترسیدند. نزد ابوبکر و عمر رفتند، مشاهده کردند آن دو نفر از شدت ترس به شتاب حضور امیرالمؤمنین (ع) می‌روند.

مردم هم به تبعیت آنها حضور آن حضرت رسیدند. امیرالمؤمنین (ع) از منزل خارج شدند. ابوبکر و عمر و عموم در عقب آن بزرگوار رفتند تا به باروی شهر رسیدند. آن حضرت روی زمین نشست مردم هم اطراف او نشستند. دیوارهای مدینه مانند گهواره حرکت می‌کرد اهل مدینه از شدت ترس صداهای خود را بلند کرده و فریاد می‌زدند: «یا علی به فریاد ما برس، هرگز چنین زمین لرزه‌ای ندیدیم». لب‌های آن حضرت به حرکت آمد و با دست به زمین زد و فرمود: «ای زمین آرام و قرار بگیر». زمین به اذن خدا ساکت شد و قرار گرفت.

مردم از اطاعت و فرمانبرداری زمین از امیرالمؤمنین (ع) تعجب کردند، فرمود: «شما تعجب کردید که اطاعت امر من نمود وقتی به او گفتم که قرار بگیر؟»، عرض کردند: «بلی، یا امیرالمؤمنین». فرمود: «من همان انسانی هستم که خداوند در قرآن می‌فرماید: (وَ قَالَ الْاِنْسَانُ مَا لَهَا) به زمین می‌گویم بیان کن برای من حوادث و اخباری که بر روی تو واقع شده و انجام گرفته است و به من بگو عمل‌هایی که مردم در روی تو به جا آورده‌اند».